

## جرم از منظر جرم‌شناسی

در جرم‌شناسی، جرم از نظر دفاع اجتماعی از طریق کیفرِ طرد، درمان، و اصلاح بزهکاران مطرح می‌شود.

جرم‌شناسی به عنوان علمی که به علت‌های وقوع بزه و درمان مجرمیت می‌پردازد.

جرم به کلیه اعمال ضد اجتماعی یا تنش‌هایی که جامعه را دستخوش آسیب می‌کند، خواه موجب آن تنش‌ها علت‌های روانی باشد یا اجتماعی اطلاق می‌شود. (جرم‌شناسی بیشتر به حالت فطرناک بزهکار به عنوان علامت و نشانه‌ای از رفتارهای ضداجتماعی و بیماری مورد توجه قرار می‌گیرد) ولی با توجه به محدودیت‌های قانونی ما باید به ناچار از تعریف قانونی جرم استفاده نمائیم.

اما در حقوق جزا جرم شامل رفتاری است مخالف نظم اجتماعی که مرتکب آن در معرض مجازات و یا اقدامات تأمینی قرار می‌گیرد، در واقع جرم رفتار مخالف نظم اجتماعی یک انسان علیه جامعه است که علمای حقوق هر یک جرم را با ایده‌های مختلف تعریف کرده‌اند.

## جرم در اسلام

در اسلام افعالی جرم تلقی می‌شوند که مغایر با اوامر و نواهی و احکام خدای متعال است. در قرآن از تعبیر سَیِّعَه، سوء، جناح (کناه، موضوعِ هرود و تعزیرات است) آمده است، بنابراین از دیدگاه اسلام جرم هر رفتار خلاف مصالح و منافع فردی و اجتماعی که علیه آن مراجع قضایی ناشی از قدرت و در حقوق جزای اسلام مجازات در یک فلسفه مختلط الهام گرفته، در تشریح حدود و فایده اجتماعی آن ملاک بوده است، در تعزیرات بیش از همه شخص بزهکار محور اصلی قرار گرفته و اصلاح و تربیت او مد نظر شارع قرار داده شده است.

## ماده ۱ لایحه جدید قانون مجازات اسلامی

«قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرائم و مجازات‌های هرود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسئولیت کیفری و قواعد ماکم بر آنها است»

این ماده حدود و محتوای قانون مجازات را بیان کرده، همچنین این قانون اقدامات تأمینی و تربیتی در بر گرفته است. ضمن آنکه قوانین و مقررات و همچنین آراء وحدت رویه که در آنها از مجازات‌های بازدارنده صحبت شده است. به تبع این قانون جدید، نسخ یا تغییر می‌کند علاوه بر این مطالب قانون مجازات اسلامی جدید در بردارنده مسئولیت کیفری و شرایط و موانع آن هم خواهد بود.

این قانون قواعد و اصول حاکم بر حقوق جزا را نیز در بر می‌گیرد از جمله اصل قانونی بودن جرم و مجازات و نیز اجرای مجازات‌ها.

## ماده ۳ لایحه جدید قانون مجازات اسلامی

«قوانین جزایی ایران دربارۀ کلیۀ اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، در بای و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود، مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد»

این ماده بیانگر اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی می‌باشد. این اصل دارای دو جنبه مثبت و منفی می‌باشد

❖ **مثبت:** قوانین جزایی قاعدتاً قوانینی درون مرزی یعنی در قلمرو داخلی کشور نسبت به تمام افراد جامعه اعم از تابعه داخلی یا خارجی صدق می‌کند و قابل اعمال است. این اصل از یک طرف بیانگر این است که کلیۀ ساکنین یک کشور را مطیع قوانین جزایی خود می‌داند.

❖ **منفی:** از طرف دیگر نسبت به کسانی که در خارج از کشور به سر می‌برند حتی اتباع داخلی که در خارج از کشور می‌باشند قابل اعمال نمی‌باشند.

اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی دارای امتیازاتی می‌باشد از جمله

- از نظر استقلال و حاکمیت دولت اصل مزبور موجب می‌شود تا در صورت وقوع جرم، قانون جزای مملکت به مورد اجرا گذاشته شود.
- رسیدگی در محل وقوع جرم از لحاظ فردی و اجتماعی.
- از نظر حقوق ملی و بین‌المللی حفظ نظم و آرامش در داخل هر کشور از وظایف انحصاری آن دولت حاکم می‌باشد. این اصل نه تنها جرایم ارتكابی در قلمرو یک دولت بلکه جرایمی که تنها قسمتی از آن در کشور ارتکاب یافته است را نیز در بر می‌گیرد.

**مثال:** شلیک گلوله در مرز که ضارب در ایران بوده و مضروب در عراق باشد:

بررسی:

- ❖ اصل صلاحیت سرزمین ذهنی (عناصر متشکله): دولتی که در آن جرم شروع شده است.
- ❖ اصل صلاحیت سرزمین عینی (نظریه آثار): دولتی که جرم در آن اتفاق افتاده است.

## استثناعات اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی

- ❖ مسونیت پارلمانی
- ❖ مسونیت ناشی از ایفای وظایف نمایندگی

## ماده ۴ لایحه جدید قانون مجازات اسلامی

«هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است»

این ماده در مورد جرائم مقید و مرکب می‌باشد و حکم این نوع جرایم را باز ماده مطرح نموده است. جرم ساده و مطلق در یک لحظه از زمان به وجود می‌آید و تمام عناصر آن در همان لحظه اول شکل می‌گیرد. توضیح (قسمتی از جرم): اینکه بخشی از عملیات اجرایی تشکیل دهنده جرم است نه تهیه مقدمات جرم.

**مثال:** یک تبعه افغانی در ایران یک سلاح بخرد و با آن سلاح می‌رود به کشور عراق و مرتکب قتل می‌شود، نمی‌توانیم بگوئیم قسمتی از آن در ایران اتفاق افتاده است، نمی‌توان گفت که این جرم در ایران اتفاق افتاده و دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی دارند.

در جرایم مرکب مثل کلاهبرداری، انجام یکی از اعمال تشکیل دهنده جرم مثل توسل به وسایل متقلبانه در کلاهبرداری در ایران برای داشتن صلاحیت رسیدگی محاکم ایران کافی به نظر می‌رسد.

### عناصر تشکیل دهنده جرم

که در کنار عناصر تشکیل دهنده خاص هر یک از جرایم که بر حسب نوع جرم متغییر است به وجود می‌آید. جرایم به طور کلی دارای عناصر تشکیل دهنده مشترکی هستند که اختصاص به برخی از آنها ندارد، در واقع برای اینکه رفتار یک انسان را جرم بدانیم باید در آن رفتار وجود سه عنصر قانونی، مادی و معنوی وجود داشته باشد.

**سؤال:** مکتب اصالت تحصیل در رابطه با تعریف جرم کیفری چه نظری دارد؟

**جواب:** جرم عبارت است از تعرض به احساسات اخلاقی بشر، جریحه‌دار کردن آن بخش از حس اخلاقی که احساسات بنیادی نوخواهانه را شامل می‌شود. (تعریف کارافالو از رهبران مکتب اصالت متصل)

### عناصر قانونی

هر رفتاری هر چند زشت و نکوهیده و هر چند در نظم اجتماعی آن جامعه زیان وارد کند، تا زمانی که حکمی برای آن نیامده باشد، قابل مجازات نیست (استناد به ماده ۲ ق.م.ا).

### آثار اصل قانونی بودن جرم و مجازات

- عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری: یکی از آثار اصل قانونی بودن جرم و مجازات قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری است، یعنی اینکه قاضی نمی‌تواند حکم قانون لاحق را به مصادیق سابق آن تسری دهد و افعالی را که پیش از تصویب این قانون جرم نبوده‌اند به استناد این قانون جرم بدانند.

این اصل برای حفظ حقوق و آزادی‌های فردی است.

حقوقدانان برای تعیین اصطلاح این قاعده، تعارض قوانین کیفری در زمان را به کار می‌برند.

• تفسیر مضیق یا محدود قوانین جزایی: در ایران بنابر (اصل ۱۶۷ ق.ا) و همچنین (ماده ۱۰ ق.م.ا) قضاات ناگزیرند که این قاعده را که دارای یک وجه کلی و یک جنبه تعدیل کننده دارد جرم بشناسد و مجازات کند. پس از نظر کلی قاضی نمی‌تواند قانون جدیدی را که عملی را جرم می‌شناسد که آن عمل در گذشته جرم نبوده و یا مجازات شدیدتری را قانون جدید در نظر گرفته که در گذشته وجود نداشته به اعمال ارتكابی قبل از قانون جدید که هنوز در مرحله رسیدگی است یا شروع به رسیدگی نشده است تسری دهد. اما از نظر قدرت تعدیل کننده قاعده عطف به ماسبق نشدن در مواردی که قانون خفیف‌تر است بلافاصله قابل اجرا است، اما در هر حال باید بدانیم این قاعده در قوانین شکلی و ماهوی متفاوت است.

قوانین ماهوی عطف به ماسبق نمی‌شوند ولی قوانین شکلی عطف به ماسبق می‌شوند.

### عنصر مادی جرم

در واقع حقوق جزا که متضمن اصولی است که حاکم بر رفتار انسان و توأم با تضمین‌هایی که حافظ جامعه بشری است و همین طور حقوق جزا رفتار زشت و قصد سوء را تا زمانی که به منصفه ظهور نرسیده مجازات نمی‌کنند، چون قصد سوء تا زمانی که انسان برای واقعیت بخشیدن به آن جازم نیست خطری برای نظم جامعه ندارد. بنابراین شرط تحقق جرم آن است که قصد سوء با ارتكاب با عمل خاصی به مرحله فعلیت برسد.

فعل یا عمل خارجی که نشان دهنده نیت مجرمانه و یا تقصیر جزایی است، عنصر مادی جرم را تشکیل می‌دهد.

عنصر مادی جرم به دو حالت تقسیم می‌شود

- اقسام رفتار مجرمانه
- تکوین رفتار مجرمانه

### اقسام رفتار مجرمانه

رفتار مجرمانه می‌تواند به اشکال زیر باشد

❖ **فعل (مثبت):** در قانون مجازات ما اغلب جرایم به صورت فعل است که قانونگذار انجام آن را منع کرده است.

مانند (قتل، سرقت، شرب خمر)

❖ **ترک فعل (منفی):** گاهی قانونگذار وظیفه و تکلیفی را برای افراد معین نموده است در صورتی که اشخاص از آن

وظایف مشخصه خودداری کنند برای مرتکب مجازات در نظر گرفته می‌شود. مانند

(ماده ۵۹۷ ق.م.ا) «هر یک از مقامات قضائی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آنها برده شود و با وجود این که رسیدگی به آنها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگر چه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن

امتناع کند یا صدور حکم را بر خلاف قانون به تأفیر اندازد یا بر خلاف صریح قانون رفتار کند دفعه اول شش ماه تا یکسال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضائی مکوم می‌شود و در هر صورت به تأدیة فسارات وارده نیز مکوم فواهد شد»

(ماده ۶۳۲ ق.م.ا) «اگر کسی از دادن طفلی که به او سپرده شده است در موقع مطالبه اشفاصی که قانوناً حق مطالبه دارند امتناع کند به مجازات از سه ماه تا شش ماه حبس یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال مکوم فواهد شد»

(ماده ۶۴۲ ق.م.ا) «هرکس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تکمین نهد یا از تأدیة نفقه سایر اشفاص واجب النفقه امتناع نماید (ادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس مکوم می‌نماید»

❖ **فعل ناشی از ترک فعل :** جرم فعل که قالباً با ارتکاب به افعال است و جرم ترک فعل که خودداری از انجام افعال است را معمولاً قانونگذار مشخص می‌کند. مسئله‌ای که پیش می‌آید این است، شخص ناظر وقوع عملی است که به ضرر دیگری در حال رخ دادن است و عملاً از آن جلوگیری نمی‌کند و قانون نیز این مقدار از عمل را ترک فعل ندانسته.

**مثال :** نابینایی در شرف افتادن به چاه است و شخص دیگری ناظر بر افتادن او است و قادر به کمک کردن است ولی از این امر امتناع می‌کند، آیا می‌توان گفت افتادن نابینا در چاه تقصیر شخص بوده است ؟

به نظر برخی از حقوقدانان ما مصداقی برای جرم فعل ناشی از ترک فعل نمی‌توان پیدا کرد چون که تفسیر مضیق قوانین جزایی ایجاب می‌کند که فقط عناوین مجرمانه و قابل مجازات باید حتماً در متن قانون آمده باشد و روشن و صریحاً گفته باشد و در این خصوص نمی‌توان از قیاس استفاده کرد. چون احراز رابطه علیت در خصوص اینگونه افعال بسیار دشوار به نظر می‌رسد.

❖ **داشتن و نگه داشتن :** عبارت است از اینکه شخص شیء ممنوعه را در اختیار خود داشته باشد یا عالماً در اختیار افراد دیگر قرار دهد، بنابراین دادگاه در مورد تداوم داشتن در زمان و یا اعراض و انصراف از داشتن را معین و برحسب مورد جرم را احراز و یا متهم را تبرئه کند. مهمترین مواردی که می‌توان به عنوان داشتن و نگه داشتن در قانون مجازات ذکر کرد مانند (نگهداری اسلحه غیرمجاز، نگهداری مواد مفر، نگهداری بذر و گرز فشاخ)

❖ **گفتار مجرمانه :** قول و سخن مجرمانه نیز یکی از عناصر مادی جرم می‌باشد، از قبیل (ماده ۶۰۸ تعزیرات) «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک پناپه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا (۷۴ ضربه شلاق) و یا (پناه هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی) فواهد بود» (ماده ۶۰۹ تعزیرات) «هرکس با توبه به سمت، یکی از رؤسای سه قوه یا معاونان رئیس جمهور یا وزراء یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن

توهین نماید به سه تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴ ضربه) شلاق و یا (پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی) مکوم می‌شود»

(ماده ۶۹۷ تعزیرات) «هر کس به وسیله اوراق خطی یا چاپی یا به وسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم مسموب می‌شود و نتواند صحت اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴ ضربه شلاق) یا یکی از آنها حسب مورد مکوم فواید شد»

❖ **حالت:** اینکه گاهی عنصر مادی جرم حالتی است روانی، نظیر اعتیاد به مواد مخدر که هم این حالت فرد را تحت تعقیب و مجازات قرار می‌دهد، گاهی حالت اجتماعی ناشی از شیوه زندگی مانند (ماده ۷۱۲ ق.م.ا) «هر کس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش نماید یا ولگردی نماید به حبس از (یک تا سه ماه) مکوم فواید شد و پناپه با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شود علاوه بر مجازات مذکور کلیه اموالی که از طریق تکدی و کلاشی به دست آورده است مصادره فواید شد» چون ولگردی نشان از حالت خطرناک دارد، و گاهی وضع کسانی که در صدد برهم زدن امنیت کشور می‌باشند (ماده ۴۹۹ ق.م.ا) «هر کس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده ۴۹۱ عضویت یابد به (سه ماه تا پنج سال حبس) مکوم می‌گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی اطلاع بوده است»

(ماده ۴۹۱ ق.م.ا) «هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و مبارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال مکوم می‌شود»

### تکوین رفتار مجرمانه

تکوین رفتار مجرمانه شامل

❖ **جرم آنی یا فوری:** وقتی که عنصر مادی جرم در یک لحظه واقع می‌شود مانند (قتل، سرقت)

جرم آنی جرمی است در برهه‌ای از زمان شروع شده و به نتیجه رسیده است اما به این معنا نیست که عناصر تشکیل دهنده این جرم باید در همان لحظه عنصر مادی جرم شکل گیرد، این جرم که نتیجه آن بلافاصله و یا مدتی پس از مدتی از انجام آن به دست می‌آید فوری است. در واقع جرم فوری مدت اجرای کم و بیش طولانی بزهکار برای تحقق آن اهمیتی ندارد بلکه انجام آن به شکلی که استمرار در آن نباشد مورد نظر است، در جرایم ترک فعل نیز جرایم فوری قابل تصور است.

❖ **جرم مستمر:** قصد مجرمانه در جرایم مستمر در هر لحظه وجود دارد و لذا رفتار مجرمانه تشکیل دهنده عنصر مادی مستمراً در حال وقوع است مانند (مفنی کردن اموال مسروقه یا توقیف غیرقانونی اموال)

برخلاف جرم فوری جرم مستمر به ترک یا ترک فعل اطلاق می‌شود که در زمان ادامه دارد.

دیوان عالی کشور جرم خیانت در امانت را مستمر ندانسته است و عنوان نموده است که جرم مستمر در مواردی صادق است که عمل ارتكابی هر لحظه موجود باشد و ادامه داشته باشد.

❖ **جرم به عادت :** جرم به عادت مانند جرم ساده می‌باشد که با تشکیل عناصر جرم متولد می‌شود. ولی مجازات آن مشروط به آن است که چند بار تکرار انجام شود و به شکل عادت درآید بدون آنکه ضرورتاً عنوان خاص تکرار جرم پیدا کند، عنصر مادی این جرم از چند عمل مشابه تشکیل می‌شود که هر یک به تنهایی جرم نیست ولی چنانچه تکرار شود مجموعه آن اعمال جرمی را به وجود می‌آورد مانند (طبابت غیرمجاز، تشویق به فساد و فحشا)

❖ **جرم مرکب :** این قبیل جرایم از چند عمل مختلف تشکیل شده است که هر کدام به تنهایی جرم نیست ولی در مجموع وقتی کنار هم قرار می‌گیرند جرم مرکب را تشکیل می‌دهند مانند (کلاهبرداری) جرم کلاهبرداری مستلزم

چند عمل است

- توسل به وسایل متقلبانه
- تحصیل وجه یا اموال
- بردن اموال دیگری

بنابراین تا وقتی که عمل فوق جمع نشوند و بردن مال دیگری حاصل نشود جرم تحقق نیافته است.

اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت می‌کنند نیز می‌تواند از مصادیق جرم مرکب باشد. مطابق با (ماده ۴ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت های غیر مجاز می نمایند) «هرکس با سوء استفاده از آثار مبتذل و مستهجن تهیه شده از دیگری، وی را تهدید به افشاء و انتشار آثار مزبور نماید و از این طریق با وی زنا نماید به مجازات زنا یا به عنف مملوم می‌شود ولی اگر عمل ارتكابی غیر از زنا و مضمول مر باشد مر مزبور بر وی جاری می‌گردد و در صورتی که مضمول تعزیر باشد به مراکز مجازات تعزیری مملوم خواهد شد»

عنصر مادی جرم امور سمعی و بصری، مستلزم اعمال زیر است

- سوء استفاده از آثار سمعی و بصری
- تهدید به افشاء و انتشار این آثار
- انجام دادن زنا در نتیجه اعمال مذکور با شخص تهدید شده

(بند «ب» ماده ۵ ق.م.ا) در مورد تهیه مخفیانه فیلم یا عکس مبتذل از مراسم خانوادگی

عنصر مادی این جرم مستلزم شرایط زیر است

- تهیه مخفیانه فیلم یا عکس مبتذل از خانواده
- تکثیر و توزیع اثر تهیه شده

(تبصره ماده ۱۰ ق.م.ا) در مورد معرفی جاسوس به کشور متخاصم می‌گوید «هر کس به قصد برهم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن، جاسوسانی را که مأمور تفتیش یا وارد کردن هرگونه لطمه به کشور بوده‌اند شناخته و مفی نماید یا سبب افشای آنها بشود به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود»

عنصر مادی این جرم عبارت است از

- شناسایی افراد جهت جاسوسی
- جذب افراد شناسایی شده
- معرفی افراد شناسایی شده به کشورهای بیگانه و متخاصم

**سوال :** امتناع از انجام وظایف قانونی در کدام نوع از اقسام رفتار مجرمانه روی می‌دهد؟

**جواب :** ترک فعل

❖ **جرم مکرر یا متوالی :** ارتکاب جرایمی است که متشکل از چندین جرم که هر یک به تنهایی قابل مجازات است ولی چون مرتکب با قصد مجرمانه واحد نسبت به مجمع‌العموم واحد به دفعات به ارتکاب جرم مبادرت می‌کند مشمول مقررات مشمول جرایم مستمر می‌شود.

مانند (منتهمی که هر روز مقداری پول را از صندوق شرکت می‌رباید) (جرم سوء استفاده از سند مبعول که مرتکب با علم به جعل بودن آن به دفعات از آن سوء استفاده می‌کند) در این جرم جرایم آنی است که تکرار می‌شود.

### مسیر فعل مجرمانه

شخصی که عملی را عمداً انجام می‌دهد که طبق قانون آن عمل جرم شناخته شده است، غالباً راه مشخص را طی می‌کند تا جرم از مرحله جنینی به مرحله بلوغ برسد. در این مسیر ممکن است به دلایلی مجرم در نیمه راه متوقف شود یا در صورت دیگر با اینکه تمام مسیر را طی کرده اما نتیجه مجرمانه‌ای که مورد قصد او بوده است حاصل نشود و لذا برای آنکه قاضی تشخیص دهد که مجرم مسیری را که طی کرده چقدر مجرمانه بوده است تا بتواند به تناسب آن مجازات مناسب را صادر کند باید این مسیر مجرمانه‌ای که شخص مرتکب، طی کرده است مورد بررسی قرار دهد، در واقع قاضی باید مراحل مختلف این مسیر مجرمانه را که چهار عامل است توجه کند

❖ **قصد مجرمانه :** قصد مجرمانه که همان فکر یا اندیشه انجام بزه عمدی است و معمولاً آن را با سوءنیت اشتباه می‌گیرند. در حالی که سوءنیت ممکن است در اعمال غیرمجرمانه هم داخل شود و دایره جرم قرار نگیرد در حالی که قصد مجرمانه غالباً یک عمل ضدا اجتماعی که قانگذار آن را جرم می‌داند، بدیهی است که گاهی قصد مجرمانه به شکل دقیق و منجز وجود ندارد و مجرم همیشه در حین ارتکاب جرم از قصد خود با خبر نیست به طور کلی می‌توان گفت وقتی مجرم نتیجه حاصل از ارتکاب جرم را بخواهد می‌گوئیم مجرم دارای قصد مجرمانه است چه



اشراف دقیق بر قصد خود داشته و چه نداشته باشد، خواه نتیجه حاصله منطبق با خواسته او باشد یا نباشد، قصد مجرمانه به تنهایی جرم نیست، زیرا قصد و نیت یک امر باطنی است و امر باطنی نیز جرم محسوب نشده است.

نظر غالب حقوقدانان بر این است که در جرایم غیرعمدی مثل (قانون تلف ناشی از نظامات دولتی، فرض شروع به جرم منتفی است)

گرچه جناب آقای دکتر نوربها خلاف این نظر را دارد، برای تحقق شروع به جرم قصد مجرمانه قبلی ضرورت دارد و در جرایم عمد مجرد قصد ارتکاب جرم شروع به جرم نخواهد بود و قابل مجازات نیست.

❖ **عملیات مقدماتی:** آن مقدار اعمالی که برای ارتکاب جرم در جرایم عمدی دیده می‌شود. مثال (کسی که به قصد

سرقت کلید و یا نردبان می‌سازد) این گونه عملیات اگر عنوان جرم خاصی نداشته باشد، جرم محسوب نمی‌شود.

زمینه‌سازی و تهیه وسایل لازم برای ارتکاب جرم گرچه جزء افعال مادی به حساب می‌آیند اما چون قصد مرتکب را به روشنی مشخص نمی‌کنند، نمی‌توان آنها را قابل تعقیب کیفری دانست، عنصر مادی جرم همیشه منتهی به نتیجه مجرمانه نمی‌شود، بنابراین کسی که در مرحله تهیه مقدمات ارتکاب جرم است ممکن است با وقوع جرم فاصله زیاد داشته باشد، با این حال قانونگذار در مواردی استثنائاً پیش‌بینی کرده است که اعمال مقدماتی به عنوان جرایم خاص قابل تعقیب شناخته شده‌اند. مثل (فریدن یا نگهداری اسلحه به موجب قانون مجازات قاپاق اسلحه و مهمات مصوب ۱۳۹۰) (ساقتن کلید یا هر نوع وسیله‌ای که برای ارتکاب جرم به کار می‌رود یا تهیه می‌شود (ماده ۶۶۴ ق.م.ا.))

**نکته:** اعمال مقدماتی را باید از اعمال شروع به اجرا تفکیک کنیم، چرا که

- اصولاً اعمال مقدماتی قابل مجازات نیستند مگر در موارد مصرحه در قانون.
- اعمال مقدماتی همیشه نمی‌تواند کاشف از قصد مجرمانه بودن عامل آن باشد.

❖ **شروع به جرم:** عبور از قصد مجرمانه و عبور از عملیات مقدماتی و ورود به مرحله اجرایی جرم را شروع به جرم

می‌نامند، به نحوی که اعمال انجام شده متصل به جرم باشد، مشروط بر آنکه بزه به طور کامل اتفاق نیافتد و همچنین تحت عنوان جرم تام قرار نگیرد.

شروع به اجرای جرم مستلزم ارتکاب فعل مادی است، زیرا در جرائمی که عنصر مادی آنها با ترک فعل قابل محقق است بحث شروع به جرم منتفی است.

**نکته:** تظاهر قصد مجرمانه متمایز از خود قصد مجرمانه است.

تفکیک عملیات مقدماتی و عملیات شروع به اجرا در عمل دشوار است، باید بین عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم هستند و با جرم ارتباط مستقیم ندارند، با آن نوع عملیات اقداماتی که در ارتباط مستقیم با جرم هستند تفاوت قائل شویم.

مثل (فرید پاتو برای ارتکاب قتل، که با نتیجه قتل فاصله زیادی دارد، چون اقدام به فرید پاتو مستقیماً و بی واسطه منتج به قتل نمی‌شود)

برای تشخیص اعمال مقدماتی از شروع به جرم سه نظر وجود دارد

- نظریه عینی
- نظریه ذهنی
- نظریه مختلط

❖ **نظریه عینی:** عبارت است از اینکه بیشتر به موقعیت عمل مجرمانه توجه کنیم، یعنی اینکه شروع به اجرا زمانی تحقق پیدا می‌کند که فاعل یکی از افعالی را که در تعریف قانونی جرم آمده است (به عنوان عنصر تشکیل دهنده و به عنوان کیفیت مشدده جرم) مرتکب شود، چنانچه اعمال انجام شده به عنصر قانونی یا مادی جرم مرتبط نباشد، عمل مقدماتی است و شروع به جرم نمی‌باشد.

**مثال:** در تعریف سرقت می‌گوئیم عبارت است از، ربودن شیء منقول متعلق به دیگری، پس ربایش وقتی به دست می‌آید که شخص عمل مادی که از نظر فیزیکی قابلیت قبول دارد و آن گذاشتن دست روی شیء مسروقه است، انجام داده باشد. زیرا این عمل در تعریف قانونی جرم سرقت آمده که چنانچه مرتکب در نیمه راه دستگیر شود و دخالت یک عامل خارجی (فارج از اراده مرتکب) روی داده باشد، موجب عدم تحقق جرم تام می‌گردد و در این خصوص می‌توان مباشر جرم را به عنوان شروع به سرقت تعقیب کرد، همچنین وقتی شخصی عملی انجام دهد که جزء کیفیات مشدده جرم باشد می‌توانیم از ضابطه عینی استفاده کنیم.

ضابطه عینی این مزیت را دارد که در آن ضابطه شروع به جرم به دقت و به وضوح تعیین شده و از این لحاظ می‌توانیم بگوئیم حقوق مرتکب به نحو مطلوب تأمین شده است ولی اشکالی که دارد این است که به گونه مؤثر دفاع اجتماعی را تضمین نمی‌کند، زیرا هر از گاهی در یک شرایط اوضاع و احوال خاص مرتکب دست به اعمالی می‌زند که ما به روشنی مقصود او را می‌فهمیم و می‌دانیم که دلالت بر سوءنیت دارد اما چون این اعمال در تعریف قانونی جرم نیامده است نمی‌توان به آن معترض شد.

**مثال:** کسی شبانه از دیوار خانه‌ای بالا رفته در حالی که حامل سلاح بوده و حرز را شکسته است اگر در همین مرحله دستگیر شود بنا به این نظریه، می‌توانیم به اتهام شروع به سرقت وی را تعقیب نمائیم نه قتل، زیرا در قانون مجازات بالا رفتن از دیوار یا شکستن حرز جزء کیفیات مشدده جرم سرقت آمده است نه جرم قتل، پس به نظر می‌رسد نظریه عینی کافی به نظر نمی‌رسد.

❖ **نظریه ذهنی:** این نظریه ارتکاب شروع به جرم را اصولاً و اساساً با توجه به حالت ذهنی مرتکب نگاه کرده است، طبق این نظریه باید دید چه هنگام مجرم تصمیم گرفته است مسیر مجرمانه را طی کند و تا آخر را پیش برود،

شروع به اجرا توسل به افعالی است که مبین اراده قطعی و تصمیم جازم فاعل بر ارتکاب جرم است (هر فعلی که مرتکب اراده کرده است که فوراً به مقصود برسد شروع به اجرا تلقی می‌شود، یعنی شروع به اجرا در ادراک ذهنی وقتی است که فاعل از نظر ذهنی آگاهی دارد که شروع به اجرای جرمی کرده و طرح آن را کشیده است)

شروع به جرم وقتی وجود دارد که فاعل خود را مصمم نشان داده است و خطرات عمل را قبول کرده است.

**مثال:** اگر کسی بخواهد شبانه از دیوار خانه دیگری بالا رود و در آن حال دستگیر شود با احراز قصد سرقت به اتهام شروع به سرقت قابل تعقیب خواهد بود.

نظریه ذهنی نیز دارای ایراداتی می‌باشد چون برای تعیین زمانی که مرتکب قاطعانه تصمیم به ارائه فعل مجرمانه دارد باید به یک سلسله ملاحظات نفسانی متکی بوده که این امر تهدیدی علیه آزادی افراد به شمار می‌رود.

در ایران و رویه دیوان عالی کشور شروع به جرم بیشتر جنبه نوعی و ادراک عینی دارد و غالباً متمایل به ادراک عینی است.

❖ **نظریه مفتلط:** بر طبق این نظریه برای تشخیص اعمال مقدماتی از عمل شروع به جرم باید میان افعال یقینی و افعالی که مشکوک هستند تمایز قائل شد.

شروع به اجرای جرم وقتی به دست می‌آید که بدون ابهام گویای قصد مرتکب است و با جرم پیوندی آشکار و نزدیک دارد، در حالی که اعمال مقدماتی قابل ابهام و همین طور قابل تفسیرند. مانند (فیردن تفنگ) به وضوح ما قصد خریدار را نمی‌توانیم بفهمیم و معلوم نیست قصد وی از خرید تفنگ چیست، در صورتی که اگر کسی برای اطمینان از نبودن صاحبخانه زنگ درب حیاط را فشار دهد و بلافاصله با ظاهر شدن صاحبخانه مرتکب پا به فرار گذارد و در این حین با اخطار مأمورین نیروی انتظامی دستگیر شود برای عمل وی جز بحث شروع به سرقت نمی‌توانیم تعبیر دیگری را به کار ببریم.

بر اساس نظریه مختلط می‌توانیم بگوئیم هر فعلی که مستقیماً منتج به جرم شود و با قصد ارتکاب آن انجام گیرد، شروع به اجرا خواهد بود.

**سؤال:** بر اساس کدام نظریه شروع به جرم زمانی تحقق پیدا می‌کند که شخص مرتکب یکی از اعمالی را که در تعریف عنصر مادی متشکله جرم آمده انجام داده است؟

**جواب:** توضیح (ماده ۱۲۲ ق.م.ا)، این ماده مجازات شروع به جرم را نه بر اساس نوع جرم بلکه بر اساس میزان مجازات (مقدر) در قانون مشخص کرده است، مجازات مقدر (مجازات است که انواع و میزان آن در شرح مشفص شده است) همچنین با توجه به ماده فوق شروع به جرم در همه جرایم پیش‌بینی نشده و فقط جرایم مندرج در بندهای سه‌گانه این ماده مشروع مجازات است، شروع به جرم خواهد بود و محکومیت به شروع به جرم در صورتی است که اقدامات انجام گرفته جرم نباشد و الا اگر این اقدامات جرم مستقل باشد فرد به آن جرم محکوم می‌شود و شروع به جرم حکم قرار نخواهد گرفت، با توجه به

صدر (ماده ۱۲۲ ق.م.ا) که گفته است اگر فرد با اراده خود از ادامه عملیات مجرمانه منصرف شود در اینجا مشمول شروع به جرم نخواهد بود مگر اینکه اقدامات انجام شده مشمول جرم دیگری باشد که فرد به مجازات آن جرم محکوم می‌شود.

شروع به جرم فقط در این چهار بند قابل تصور است

- جرایم یا مجازات‌های سلب حیات
- جرایم با مجازات‌های حبس تعزیری درجه ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ و حبس دائم
- جرایم با مجازات قطع عضو
- جرایم با مجازات با شلاق حدی

در (تبصره ماده ۱۲۲ ق.م.ا) به صورت دیگری هم اشاره نموده است و آن را در حکم شروع به جرم و آن زمانی است که

- رفتار مرتکب ارتباط مستقیم با جرم داشته باشد.
- به جهات مادی که مرتکب از آنها بی‌اطلاع است وقوع جرم غیرممکن شود.

این تبصره در واقع بیانگر جرم محال است که قانونگذار آن را تابع احکام شروع به جرم دانسته است.

در صدر (ماده ۱۲۲ ق.م.ا) شروع به جرم فقط در مورد جرایم عمدی قابل تصور است و در مورد جرایم غیرعمد شروع به جرم قابل تصور نیست.

عنصر مادی شروع به جرم، شروع به اجرا خواهد بود.

### جرم عقیم و جرم محال

البته گاهی اوقات مجرم تمام مسیر را طی می‌کند ولی به قصد خود نمی‌رسد و جرم اتفاق نمی‌افتد، هرچند بزهکار از مراحل مختلف قصد مجرمانه، عملیات مقدماتی و شروع به اجرا گذشته است. در اینجا بحث جرم عقیم و یا جرم محال پیش می‌آید.

البته باید توجه داشته باشیم که هرچند عنوان بحث مسیر فعل مجرمانه بیشتر در مورد جرایم عمدی مصداق پیدا می‌کند ولی از نظر بعضی از حقوقدانان در مورد جرایم غیرعمد هم می‌توان این مسیر را متصور شد.

❖ **جرم عقیم:** جرمی است که مقصود و منظور بزهکار از ارتکاب جرم حاصل نشده باشد.

**مثال:** بزهکاری به قصد کشتن دیگری تیری را رها می‌کند، ولی تیر به خطا رفته و به هدف اثابت ننموده است.

جرم عقیم وقتی اتفاق می‌افتد که مجرم به واسطه عدم مهارت یا بی‌فکری خود یا یک اتفاق غیرقابل پیش‌بینی نتیجه‌ای از عمل خود نمی‌گیرد، با این حال فرق جرم عقیم و شروع به جرم را با توجه به اینکه در جرم عقیم نیز مسیر مجرمانه تا انتها

طی می‌شود و حتی می‌توان قصد مجرمانه را به طور روشن احراز کرد ولی در بحث شروع به جرم در یقینی بودن این قصد تردید وجود دارد.

❖ **جرم محال :** در جرم محال مانند جرم عقیم مجرم تا پایان راه مجرمانه پیش می‌رود اما گاهی به علت اینکه نمی‌داند موضوع جرم وجود ندارد و گاهی به این دلیل که آگاه نیست وسایل مورد استفاده او برای ارتکاب جرم بی‌اثرند، انجام بزه محال می‌شود.

**مثال :** اینکه مجرم به گمان آنکه شخص زنده‌ای را می‌کشد به مرده‌ای تیراندازی می‌کند، یا اینکه برای قتل انسانی از شکر به جای سم استفاده کند.

در جرم محال بر خلاف جرم عقیم که عدم وقوع بزه به دلیل عدم مهارت و بی‌کفایتی مجرم است، در اینجا اصلاً موضوع جرم وجود ندارد یا وسایل به کار گرفته شده کافی نمی‌باشند، جرم محال گاهی موضوعاً منتفی است، مثل کشتن مرده و گاهی وسایل به کار برده شده طوری است که جرم ذاتاً محال است، طوری است که انجام جرم ذاتاً غیرممکن است.

در جرم محال، جرمی است که به اجرا درآمده و به مرحله وقوع رسیده ولی مثل شروع به جرم نتیجه‌ای از آن عاید نمی‌شود.

امکان یا عدم امکان نتیجه هیچگاه شرط تحقق شروع به جرم نیست (هرگاه کسی قصد ارتکاب جرمی کند که محال است و به واسطه موانع فیزیکی اجزای جرم معلق بماند مرتکب شروع به جرم شده است)

با توجه به (ماده ۱۲۲ ق.م.ا) کدام جرم را می‌توانیم شروع به اجرا بدانیم؟

(ماده ۱۲۲ ق.م.ا) «هرکس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش

معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود»

- در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار.
- در جرائمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است به حبس تعزیری درجه پنج.
- در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش.

**تبصره :** هرگاه رفتار ارتكابی، ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته، لکن به جهات مادی که مرتکب از آنها بی‌اطلاع بوده وقوع جرم غیر ممکن باشد، اقدام انجام شده در حکم شروع به جرم است.

برخی از قوانین خاص که قانونگذار آنها را در بحث شروع به جرم اشاره داشته، عبارت است از

#### ❖ (ماده ۱۲۸ قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲):

- ماده ۱۲۸: شروع به جرائم تعزیری جعل و تزویر، سرقت، تخریب یا آتش زدن یا اتلاف تاسیسات یا اسلحه و مهمات یا وسایل و امکانات نیروهای مسلح، تقلب و دسیسه در امور نظام وظیفه، فروش غیرمجاز اموال نیروهای مسلح، ارتشاء، اختلاس، اخاذی یا جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی جرم است و مرتکب حسب مورد به حداقل مجازات مذکور محکوم می‌شود.
- تبصره ۱: در صورتی که عملیات و اقداماتی که شروع به اجرای آن کرده خود مستقلاً جرم باشد، مرتکب به مجازات همان جرم محکوم می‌گردد.
- تبصره ۲: هرگاه برای جرائم مذکور در این ماده مجازات محارب مقرر شده باشد، اقداماتی که شروع به جرم تلقی می‌شود در صورتی که در این قانون برای آنها مجازاتی تعیین نگردیده باشد، مرتکب آن اقدامات به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود.

#### ❖ (تبصره ۲ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳):

- ماده ۳: چنانچه عمل مرتکب «قاچاق انسان» از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد مطابق مجازات‌های مقرر در قانون یاد شده و در غیر این صورت به حبس از دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث و عده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم می‌شود.
- تبصره ۲: کسی که شروع به ارتکاب جرائم موضوع این قانون نماید لیکن نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد، به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌گردد.

#### ❖ (ماده و ماده ۲ قانون تشدید مجازات پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷):

هرکس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر موجب قتل کسی بشود به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دایمی یا فقدان یکی از حواس مجنی علیه گردد به حبس جنایی درجه یک و اگر موجب قطع یا نقصان یا از کار افتادن عضوی از اعضاء بشود به حبس جنایی درجه دو از دو سال تا ده سال و اگر موجب صدمه دیگری بشود به حبس جنایی درجه دو از دو سال تا پنج سال محکوم خواهد شد. مجازات شروع به پاشیدن اسید به اشخاص حبس جنایی درجه ۲ از دو سال تا پنج سال است. در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت اجرای (ماده ۴۴ قانون کیفر عمومی) بیش از یک درجه تخفیف جایز نیست.

❖ (تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین افتلاس، ارتشاء و کلاهبرداری، مصوب ۱۳۶۷):

• ماده ۱: هرکس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌های یا کارخانه‌ها یا موسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیش آمدهای غیر واقع بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصا حساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود.

در صورتیکه شخص مرتکب بر خلاف واقع عنوان یا سمت ماموریت از طرف سازمانها و موسسات دولتی یا وابسته به دولت یا شرکت‌های دولتی یا شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و نهادها و موسسات مامور به خدمت عمومی اتخاذ کرده یا اینکه جرم با استفاده از تبلیغ عامه از طریق وسائل ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله یا نطق در مجامع و یا انتشار آگهی چاپی یا خطی صورت گرفته باشد یا مرتکب از کارکنان دولت یا موسسات و سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی به خدمت عمومی باشد علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از ۲ تا ۱۰ سال و انفصال ابد از خدمت دولتی و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود.

• تبصره ۲: مجازات شروع به کلاهبرداری حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتیکه نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود. مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنانچه در مرتبه مدیر کل یا بالاتر یا هم‌تراز آنها باشند به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایین‌تر باشند به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شوند.

❖ (ماده ۶ قانون تشدید مجازات مرتکبین افتلاس، ارتشاء و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷):

مجازات شروع به اختلاس حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود.

مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنانچه در مرتبه مدیرکل یا بالاتر و یا هم‌تراز آنها باشند به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایین‌تر باشند به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شوند.

## ❖ (ماده ۱۵ قانون اصلاح مواردی از قانون شکار و صید مصوب ۱۳۸۵) :

شروع به شکار حیوانات قابل شکار و صید بر خلاف مقررات این قانون قابل تعقیب و مجازات می‌باشد و مرتکب به حداقل مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

## ❖ (تبصره ۱ ماده ۱۰۹ قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲) :

- ماده ۱۰۹: قبول هرگونه هدیه یا امتیاز یا درصدانه از قبیل وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال، تحت هر عنوان به طور مستقیم یا غیرمستقیم در رابطه با معاملات و قراردادهای خارجی و داخلی توسط نظامیان ممنوع است. مرتکب مذکور علاوه بر رد هدیه یا امتیاز یا درصدانه یا معادل آن به دولت به حبس تعزیری از دو تا ده سال و جزای نقدی برابر هدیه یا امتیاز یا درصدانه محکوم می‌گردد.
- تبصره ۱: مجازات شروع به این جرم، حداقل مجازات حبس مقرر در این ماده است.

## شرکت در جرم

(ماده ۱۲۵ ق.م.ا) « هر کس با شفص یا اشفاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم مصوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرائم غیر عمدی نیز پناهی جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصران، شریک در جرم مصوب می‌شوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است.

- تبصره - اعمال مجازات درود، قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایت با رعایت مواد کتاب‌های دوم، سوم و چهارم این قانون انجام می‌گیرد»

## توضیح (ماده ۱۲۵ ق.م.ا)

مباشر (فاعل مادی) جرم کسی است که رفتار مادی و معنوی او با توصیف قانونی جرم کاملاً مطابقت دارد. هرگاه دو یا چند نفر در ارتکاب یک بزه با یکدیگر شراکت کنند و یا به یکدیگر کمک کنند تا عمل مجرمانه‌ای را انجام دهند این نوع از همکاری را می‌توان شرکت در جرم یا معاونت (بر حسب موارد خاص) دانست.

شریک در جرم همانند مباشر جرم به کسی اطلاق می‌شود که شخصاً اعمال مادی تشکیل دهنده جرم را انجام دهد و از این جهت چنین فردی را شریک در جرم می‌نامیم که به همراهی یک یا چند نفر آن جرم را انجام می‌دهند.

**مثال :** چنانچه دو نفر مخفیانه وارد خانه‌ای شوند و مشترکاً مبادرت به ربودن و تصاحب مال منقول متعلق به غیر نمایند هر یک از آنها شریک در جرم سرقت تلقی می‌شود.



لذا هر شریکی یک مباشر می‌باشد و قاعدتاً مجازات مباشر را دارد، پس نتیجه می‌گیریم که موقعیت حقوقی شریک و موقعیت حقوقی معاون با هم متفاوت است. مسئولیت کیفری شریک کاملاً شخصی است.

پس هر کدام از شرکاء در عین حال می‌تواند مباشر نیز نامیده شود.

مجازات‌هایی که علیه شریک جرم اعمال می‌شود کاملاً مستقل از کیفری است که علیه سایر شرکاء وی قابل اعمال است.

پس با توجه به (ماده ۱۲۵۵ ق.ا.م.ا) می‌توان گفت که شریک در جرم عبارت است از همکاری دو یا چند نفر در اجرای جرم خاص، به طوری که فعل هر یک از شرکاء سبب وقوع جرم شود، همکاران را شریک در جرم می‌دانیم.

عنصر مادی شریک در جرم عبارت است از رفتار خلاف قانون که تظاهر اندیشه‌ی سوء (در برابر عمری) یا ذهن خطاکارانه مجرم (در برابر غیر عمری).

در واقع مقصود از عملیات اجرایی که در ابتدای ماده به آن اشاره شده است، آن مقدار اعمالی است که شریک در آن قصد خود را مبنی بر انجام به شکل عملی (مادی) انجام می‌دهد.

**مثال:** دو نفر قصد تخریب دیوار متعلق به دیگری را دارد. اگر هر کدام کلنگی بر دارد و مقداری از دیوار را تخریب کنند می‌گوئیم در این کار هر دو شریک می‌باشند، اما اگر یک نفر فقط کلنگ بزند و دیگر فقط نظاره‌گر باشد نمی‌توان گفت که فرد نظاره‌گر شریک در جرم می‌باشد.

جرم با شروع به اجرای آن هم تحقق می‌یابد و شرط شرکت هم وقوع کامل جرم نیست و بنابراین هرگاه کسانی قصد ارتکاب جرمی کنند و شروع به اجرای آن نمایند، لکن قصدشان معلق بماند شریک در شروع به جرم شناخته می‌شوند.

همچنین در جرایم مرکب مثل کلاهبرداری یعنی جرایمی که عنصر مادی آن از افعال متعدد ولی متفاوت تشکیل شده است ممکن است هر یک از شرکت کنندگان به ارتکاب یکی از افعال متنوع مبادرت کند به طوری که مجموع افعال ارتکابی به جرم عینیت ببخشد. مثل کلاهبرداری، که یکی از شرکاء به وسایل متقلبانه دست بزند، شریک دیگر مال را ببرد که در این صورت شریک در جرم کلاهبرداری محسوب می‌شود.

همچنین در ارتکاب عنصر مادی جرم ممکن است که جرم به صورت فعل یا ترک فعل ظاهر شود.

توضیح قسمتی از (ماده ۱۲۵۵ ق.ا.م.ا) که مقرر می‌دارد «فواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد فواه نباشد و فواه اثر کل آنان مساوی باشد فواه متفاوت، شریک در جرم مسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است»

این قسمت از ماده، احراز رابطه علیت بین افعال شرکاء و نتیجه مجرمانه را لازم دیده است.

توضیح قسمتی از (ماده ۱۲۵۵ ق.ا.م.ا) که مقرر می‌دارد «هر کس با شفص یا اشفاص دیگر در عملیات اجرائی جرمی مشارکت کند و جرم،

مستند به رفتار همه آنها باشد»

منظور قانونگذار این است که فعل هر یک از شرکاء جزء علت وقوع جرم باشد.

**مثال:** اگر دو نفر در حصول نتیجه‌ای خاص مانند (سلب حیات دیگری) این دو نفر قاصد باشند و هر یک ضرباتی به مجنی‌علیه وارد کرده باشند که منجر به مرگ او شده باشد می‌گوئیم دو نفر شریک در قتل محسوب می‌شوند، اگرچه ممکن است دو نفر در وارد کردن ضربات قصد قتل نداشته باشند.

به علاوه ممکن است تأثیر عمل یکی قوی‌تر باشد و دیگری ضعیف‌تر باشد یا از دیگر شرکت کنندگان باشد، آنچه مهم است تأثیر مجموع افعال یکایک شرکاء می‌باشد. میزان تأثیر افعال بزهکاران در وقوع جرم هیچگاه شرط شرکت در جرم به کار نمی‌رود.

با توجه به عبارت پایانی (ماده ۱۲۵ ق.م.ا)، جرایم غیرعمد نیز مشمول شرکت در جرم می‌شوند.

در جرایم غیرعمدی که می‌تواند ناشی از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم رعایت مقررات و نظامات دولتی باشد، متضمن یک خطای جزایی است که ممکن است عده‌ای به طور دسته جمعی مرتکب شوند که باز در این خصوص مجازات هر شریک را با توجه به متن ماده فوق مجازات فاعل مستقل در نظر می‌گیریم. در واقع خصیصه همه جرایم غیرعمدی این است که انسان نتیجه عمل خود را به طور قطع نمی‌داند ولی در عین حال نتیجه مذکور آنقدر محتمل است که هر انسان محتاطی باید از ارتکاب اینگونه موارد خودداری کند. زیرا این قبیل نتایج قابل پیش‌بینی است.

در جرایم غیرعمد خطا وقتی محقق می‌شود که وقوع نتیجه مجرمانه از نظر فرعی محتمل باشد، پس بنابراین اگر ثابت شود که هیچ یک از عاملین جرم، نمی‌دانسته‌اند وقوع جرم را احتمال دهند، می‌گوئیم خطا محرز نیست.

در هر حال باید اثبات شود که نتیجه مجرمانه مستند به رفتار همه شرکاء باشد.

#### ❖ عنصر روانی مشارکت مجرمین در جرایم عمد و غیرعمد

- در جرایم عمدی: شرکاء باید آگاهی به مجرمانه بودن عمل و با قصد ارتكابی جرم با هم مشارکت نمایند.
- در جرایم غیرعمدی: خصیصه جرایم غیرعمدی این است که انسان نتیجه عمل خود را به طور قطع نمی‌داند ولی این نتیجه آنقدر محتمل است که هر انسان محتاطی باید از آن خودداری کند. با توجه به عبارت صدر (ماده ۱۲۵ ق.م.ا) فرد باید هم در عملیات اجرایی جرم شرکت کند و هم جرم مستند به رفتار او باشد، در واقع هر دو قید باید در فرد وجود داشته باشد تا بتوان به عنوان شریک در جرم وی را مجازات نمود.